

به بهانه سالروز میلاد دکتر سید علی اصغر غروی

باران آزادی

۲ مهر ۱۳۹۳



طلایه:

سالها و شاید قرنهای متمادی را باید بشریت سپری کند، تا انسانی شریف و بزرگوار همچون او زاده شود.

کلیدواژه‌ها: زندان - دکتر غروی - میلاد

انسانی که تمام هستی خویش را بدون حتی ذره‌یی چشم داشت همانند شمعی آب می‌کند، تا چند صبحی هدایت‌گر مردم زمانه‌اش از تاریکی به روشنایی باشد، در این راه همه ناملايمات را به جان می‌خرد، روزها و ساعت‌های عمر گرانمایه‌اش را در زندان طی می‌کند، تا شاید مردم عصر خویش را با طنین صدای بی‌پناهی‌اش بیدار کند و بگوید تا چه اندازه در میان هم وطنان و هم‌کیشان خویش تنهاست... انسانی که نه فقط از لابه‌لای دست نوشته‌ها و سخنرانی‌های غرآیش که باید با او زندگی کرد تا او را شناخت...

انسانی مقاوم همچون کوه، بی‌نهایت همچون دریا و بخشنده همچون آسمان، به جرأت می‌توانم بگویم در طول زندگی انسانی با ویژگی‌های شگفت‌انگیز او ندیده‌ام. و چه احساس پلیدی است، احساسی که این اندیشه سرشار از صلح و پاکی را به بند می‌کشد...

شاید تاریخ اینگونه حکم نموده، که افرادی با وسعت اندیشه‌یی بی‌نهایت در عصر و زمانه خویش مورد ستم واقع شوند و نسل‌های آینده اندیشه پاکشان را درک کند و بر بی‌خردی و بی‌لیاقتی نسل ما که اینگونه در حقشان جفا نمودیم بگریزد...

معلم خوبم، استاد عزیزم، نمیدانم هم اکنون در زندان چه می‌کنی؟! اما به یقین می‌دانم ذهن پویا و ژرفای اندیشه حقیقت‌شناس تو را نمی‌توانند در هیچ زندانی حبس کنند، اگرچه به خیال واهی خویش جسم و تن رنجور و بیمار را به بند کشیده‌اند...

تو برای ما به قول دکتر شریعتی جزء شگفت‌انگیزترین آدم‌ها هستی!!

«آدم‌هایی که وقتی هستند، نیستند، و وقتی نیستند، هستند... در زمان بودشان چنان قدرتمند و با شکوه‌اند که ما نمی‌توانیم حضورشان را دریابیم. اما وقتی که از پیش ما می‌روند نرم نرم آهسته آهسته درک می‌کنیم، باز می‌شناسیم، می‌فهمیم که آنان چه بودند. چه می‌گفتند و چه می‌خواستند. ما همیشه عاشق این آدم‌ها هستیم. هزار حرف داریم برای‌شان. اما وقتی در برابرشان قرار می‌گیریم قفل بر زبانمان می‌زنند. اختیار از ما سلب می‌شود. سکوت می‌کنیم و غرقه در حضور آنان مست می‌شویم و درست در زمانی که می‌روند یادمان می‌آید، که چه حرف‌ها داشتیم و نگفتیم. شاید تعداد این‌ها در زندگی هر کدام از ما به تعداد انگشتان دست هم نرسد...»

آری استاد خوبم، زمانیکه حضور داشتی تو را نشناختیم و قدردان تو نبودیم، اما هم اکنون که نیستی هر روز و هر ثانیه تو را و الطاف بی‌دریغت را از خاطر می‌گذرانیم. دوم مهرماه برایم یادآور سالروز تولد زیبای توست، اگرچه از حضور فیزیکی‌ات محروم هستیم، اما می‌دانم روح بلندت حتی در زندان هم پذیرای تبریک ماست.

استاد گرانقدرم، دکتر غروی عزیز، تولدت سرشار از برکت و افزونی باد...

به امید رهایی تمام اندیشه‌های مصلح در بند...

